

اندیشه‌های مسی

هستی‌شناسی دروغ

نیما شجاعی

■ ۱- خصیصه‌های مختلف فرهنگی را با رجوع به «تجربه فرهنگی» می‌توان شناسایی و بررسی کرد. یک امر عام فرهنگی، خود شامل «تجربه فرهنگی» امور خاص است. دروغ باعنوان یک مقوله فرهنگی بیانگر یک امر عام است، اما بررسی دروغ به مثابه یک امر خاص متضمن استفاده از روش‌شناسی «تجربه فرهنگی» است. آنچه بر همگان آشکار است، ناپسند بودن عمل دروغ‌گویی است که خود، مبین نوع نگه رویکردهای روان‌شناختی و اخلاقی است، اما توجه به دروغ، به مثابه یک امر بین‌الذهانی از خلال «تجربه فرهنگی» جامعه می‌تواند ماهیت دروغ را به شکلی سلبی آشکار کند، تا دروغ را نه ذاتی بلکه امری پراخته قلمداد کنیم ـ هدف صرفا نقد دروغ و بازنمایی‌اش، در تعاملات روزمره در قالب رویکردی فرهنگی است، پس هدف نه توجیه بلکه تبیین انتقادی این امر است. «تجربه فرهنگی» ما از دروغ این نکته را آشکار می‌کند که این عمل نه تنها روزمره‌گی بیشتری یافته، بلکه حتی در جامعه امروز ما واجد کارکرد شده است. به‌صورتی‌که در تعاملات روزمره، شاهد رواج هر چه بیشتر آن هستیم. ۲- «تجربه فرهنگی» دروغ این مساله را نشان می‌دهد که دروغ هم در سوزه‌ها و هم در ابژه‌های پیکره جامعه ما متضمن معنا شده است. به این ترتیب که این امر، برای سوزه‌ها در مقام عنصری صرفا بیرونی، دلالت ندارد، بلکه باید توجه شود که آنچه دروغ است، توسط ذهن ـ در مقام یک عنصر بین‌الذهانی ـ است که ساخته و پرداخته می‌شود. اما این امر در لحظه شکل‌گیری‌اش دارای موجودیتی می‌شود که از آن لحظه به بعد، خود را به ما تحمیل می‌کند. آنچه شکل‌گیری، تحمیل و تداوم عمل دروغ‌گویی را برای اعضای یک جامعه مهیا می‌کند، همان جریان بین‌الذهانی بودن دروغ است. بنابراین سوزه‌های دروغ‌گویی معاصر را ههم‌زمان باید هم کارگزار و هم نتیجه پیکره جامعه موجود قلمداد کرد. «تجربه فرهنگی» این امر به این دلیل تداوم می‌یابد و قریه می‌شود که سوزه‌های معاصر صرفا خود را راضی و نتیجه پیکره جامعه موجود قلمداد می‌کنند. در نتیجه، این اعضا با انکار مسوولیت‌شان، از خود سوزه‌زایی کرده و دستان خود را در تداوم و کارکرد پیدا کردن این تجربه آلوده می‌کنند و در ادامه همان گونه که در مقاله قبل بیان شد، این افراد با اقتنا به اخلاقیات توجیحی عمل خود را توجیه می‌کنند. ۳- در نهایت همچون عنصری بیرونی که دارای موجودیتی جدای از افراد است، تصور کرد. تجربه دروغ نتیجه دیالکتیک امور متفاوت تاریخی است. تجربه‌های فرهنگی در دوره‌های زمانی متفاوت متغلفاند و گاهی جابه‌جایی شوند و بعضی اوقات کارکردی کاملا متفاوت پیدا می‌کنند ـ به این ترتیب نسبی بودن و نه ذاتی بودن این تجربه‌ها اثبات می‌شود. در مقام ادعا با توجه به مشاهدات روزمره می‌توان جامعه حاضر را به مراتب دروغ‌گوتر از گذشته قلمداد کرد. در نتیجه، زمانی که عمل دروغ‌گویی در جامعه دارای کارکرد می‌شود و امور مختلف زندگی با استفاده از آن و لاغیر ممکن می‌شود، در نتیجه در جامعه با افرادی روبه‌رو می‌شویم که در عرصه‌های عمومی و خصوصی‌ای مانند ادارات، اصناف، نهادهای اجتماعی و حتی نهاد خانواده رفتاری متضارانه و چالوپسانه پیشه می‌کنند. این افراد از دروغ در جهت «حیانت نفس» بهره‌برداری می‌کنند و به این ترتیب عمل دروغین خود را [اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌کنند این وضعیت فاجعه‌آمیز تا به این‌جا پیش می‌رود که در نظر این عده، هر آنچه بیان می‌شود باید دروغ باشد ـ جالب اینجاست که هم فرستنده و هم مخاطب پیام به‌کذب بودن پیام آگاهند ـ در غیراین‌صورت عمل سوزه‌ها فاقد کارکرد لازم می‌شود. به‌زبان محاوره: «کارت را نمی‌توفه مگه دروغ بگی»

۴- از سوی دیگر سوزه‌هایی که گمان می‌کنند

دروغ یک عنصر بیرونی است، سعی در به‌کار بستن

آن به شیوه‌ای بیمارگون دارند. به این صورت

که آنها جامعه را یک جامعه بیمار قلمداد کرده

که دروغ گفتن در ذات آن نهفته است. در این

برداشت، جامعه گناه‌کار است و در نتیجه سوزه‌ها

از خود سلب مسوولیت می‌کنند. این افراد بی‌آنکه

«میانچی»‌های (با استفاده از واژگان دولوز) دروغ را

فهم کنند، از آن بمعنوا «واقعیت اجتماعی»‌لی که

خود را بر ما تحمیل می‌کند، یاد می‌کنند. در نتیجه

این تفکر و بینش خطرناک‌ر، هر عملی برای رسیدن

به هدف مجاز شمرده می‌شود. برای آشکارتر شدن

بحث از اجتماع امروزی‌مان می‌توان بهره جست.

امروزه گاهی با فیلم‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شویم

که به نقد طبقه متوسط و «تجربه فرهنگی» خاص

آن می‌پردازند. مفهوم دروغ، درونمایه بعضی از آنها

با تشکیل می‌دهد. حال بازنمایی این امر توسط این

فیلم‌ها به‌مثابه عنصری بیرونی که «میانچی»‌های

به‌کار بستن آن را حذف کرده، به نمایش بیمار‌های

زندگی‌هایی می‌انجامد که گویی شخصیت‌های این

زندگی‌ها به طور ذاتی در این وضعیت انضمامی

بیمار به سر می‌برند. اما در فیلمی مانند «در باره‌الی»

بازنمایی این امر به واسطه میانچی‌هایش به نمایش

و نقد دروغ در قالب یک «مسر واقعی» و نه یک

«مسر خیالی» منتج می‌شود. بازنمایی «مر واقعی»

نمایش منطق و میانچی‌های کنش است. این نوع

مواجهه با امر دروغ در مقام یک عنصر بین‌الذهانی

نه به توجیه، بلکه به نقد انضمامی این امر در قالب

یک «تجربه فرهنگی» منتهی می‌شود.



سام محمودی سارابی
sampurazizi@gmail.com

هرچند گزارش‌های ضد و نقیضی پیرامون نخستین مواجهه ایرانیان با مساله عدالت، آزادی و برابری و جنبش کارگری وجود دارد اما تقریبا می‌توان به جرات مدعی بود که مواجهه ایرانیان با اندیشه‌های سوسیال‌دموکراسی و کمونیسم، تاریخی پیش از بهار نشتن انقلاب کمونیستی در اکتبر ۱۹۱۷ و حتی پیش از قیام خونین انقلابیون روس در ۱۹۰۵ داشت با این توضیح که به‌هر تقدیر ارتباط ایرانیان با احزاب سوسیالیستی روسیه پیش از انقلاب ناکام ۱۹۰۵ در این مواجهه دخیل بود و بعدها «انقلاب ۱۹۰۷-۱۹۰۵ در روسیه و ضربه‌ای که این انقلاب به رژیم تزاری وارد کرد به رشد جنبش انقلابی ایران کمک کرد». افکار سوسیال‌دموکراسی انقلابی توسط کارگران ایرانی که در معادن نفت و مراکز صنعتی قفقاز کار می‌کردند، روشنفکران ایرانی که در روسیه تزاری و اروپا تحصیل می‌کردند و سوسیال‌دموکرات‌های انقلابی روس در ایران بسط و توسعه یافت.^(۱) البته در بررسی ورود اندیشه‌های سوسیال‌دموکراسی و کمونیستی به ایران نباید نقش و تاثیر ارانه در انکشاف سوسیال‌دموکراسی در ایران (به‌ویژه در آذربایجان و گیلان) را خاط‌ر دور داشت. در اینجا باید به مکاتبات ارانه ایران با کارل کلوئسکی و گئورگی پلخوف در روند پایه‌گذاری نخستین تشکلات‌های سوسیال‌دموکرات اشاره داشت.^(۲) جالب‌تر اینکه پخش عمده‌ای از کنش‌های آغازین سوسیالیست‌های ایرانی ناظر بر مطالعات تئوریک است تا کنش سیاسی و حزبی و حتی چندی پیش اسنادی از سوسیال‌دموکرات‌های ارمنی تبریز در آرشیوهای کلوئسکی و پلخوف یافت شده که حاکی از پیگیری جدی سوسیالیست‌های ارمنی نظیر ارشاور چلنگریان، ژوزف کاراخانیان، تیکران درویش و.ساو.ا.خاچاطوریان در فاصله سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱ است. البته در برخی از آثار تاریخی، از زمانی پیش از این سخن دریمان است. برای نمونه «در سال ۱۹۰۴ میلادی ابرار با ۱۲۸۳ هجری» یعنی نزدیک به دو سال پیش از اعلان مشروطیت، پایه‌های سوسیال‌دموکراسی ایران با ایجاد حزب «همت» در بادکوبه استوار گردید.^(۳) با تأسیس همت که حلقه واسط میان کارگران ایرانی و سوسیالیست‌های انقلابی روسیه بود، شالوده حزبی در ایران ریخته شد که به اجتماعین ـ عامیون شهرت دارند. به اعتقاد برخی از تاریخ‌پژوهان کمی بعد از تأسیس همت در بادکوبه «یکی از شعبات آن با نام «کمیته سوسیال‌دموکرات ایران» یا اجتماعین ـ عامیون علین در سال ۱۹۰۵ میلادی تأسیس گردید.^(۴) البته بربنمای اسناد موجود پیش از این در خلال سال‌های ۱۹۰۰ و ۱۹۰۱ کسانتی چون نریمان نریمانوف و حیدرخان عومغولی با حزب سوسیال‌دموکرات روسیه در ارتباط بوده‌اند به‌طوری‌که «نامه‌هایی از لنین و کروپسکیا در دست است که نشان می‌دهد آنها روزنامه مخفی ایسکرا [Искра] «جرعه» را از اروپا (از طریق برلن ـ تبریز ـ به باکو می‌فرستادند»^(۵) لولین شماره روزنامه ایسکرا با جرقه که نخستین روزنامه مارکسیستی سراسر روسیه نیز به‌شمار می‌آید در ۱۱ دسامبر سال ۱۹۰۰ میلادی در شهر لاپزیسک، شمار‌های بعدی در مونیخ، از آوریل ۱۹۰۲ در لندن و از بهار سال ۱۹۰۳ در ژنو به طبع می‌رسید. از شماره ۵۲ بعد پس از خروج لنین از هیات تحریریه، که این روزنامه تحت نظر شخصی پلخوتین منتشر می‌شد، از گان منشویک‌ها شد.^(۶) باری بنا بر استناد به‌دست‌آمده لنین این روزنامه را از مونیخ از راه برلن ـ وین ـ تبریز ـ باکو به روسیه ارسال می‌کرده. با وجودی‌که در نامه‌های فوق نامی از شخص خاصی برده نشده اما ظاهرا رابط ایرانی این نقل و انتقال جمعی از اعضای گروه‌های دانشاک با هیچساک بوده‌اند. در اینجا نباید از نقش نریمانوف در ایجاد و پایه‌گذاری نخستین سازمان کمونیستی و سوسیالیستی ایران غافل شد. او یک آموزگار آذربایجانی بود که به تعبیری یکی از بنیادگذاران حزب اجتماعین عامیون به‌شمار می‌آید. این حزب که به نام «حزب سوسیال‌دموکرات ایران» نیز مشهور است در اوایل ۱۲۸۳ توسط گروهی از مهاجران ایرانی که زمانی در حزب سوسیال‌دموکرات روسیه فعالیت می‌کردند با افتتاح «شعبه همت» به دبیری نریمانوف برای متشکل کردن یکصدهزار کارگر ایرانی مقیم باکو تأسیس می‌شود. نریمانوف بعدها به‌است‌جمهوری سوسیالیستی آذربایجان درآمد^(۷) ظاهرا مقاله‌ای است که در روزنامه «اختر» چاپ اسمبول چاپ شده و روزنامه «ایران» در شماره ۱۸ مارس ۱۸۸۰ خود اشاره ۴۰۲ اسفند۱۲۵۹، آن را تجدید چاپ کرده است.^(۸) این مقاله که ظاهرا به‌مناسبت نهمین شهرت یافته بودند. اس این شکتس ۱۸ مارس (۱۹۱۷) منتشر شده سبب پرداختن به موضوع فوق را چنین توضیح می‌دهد: «سوسیالیست‌ها، روز به‌روز ترقی در رواج دادن مقاصد خودشان می‌کنند. و الا نه‌بقدر ۲۰ سال می‌شود که در جمیع اروپ منتشر شده‌اند.» و در جایی دیگر آمده است: که «در اثنای محاربه پروس و فرانسه اصحاب این اعتقاد به‌نام کومونی و (انترناسیونال) شهرت یافته بودند. اس این شکتس کمون پاریس] این گروه از اجرای مقاصد دست نکشیده آهسته آهسته در اطراف ممالک اروپا منتشر شده، تخم خیالات خودشان را کاشتند و الان در رومستان بیشتر از همه جا کار می‌کنند.»^(۹) با این توضیح که در مقاله مورد بحث که اساسا کمونیسم، مارکسیسم، سوسیالیسم، آنازیسم و... همگی به یک مفهوم گرفته شده و در کل نهیلیسم نامیده شده‌اند، نوسنده اطلاعات ناقصی در مورد سوسیالیسم داشته و به‌شدت تحت تاثیر تبلیغات موجود علیه سوسیالیست‌ها بوده است به‌طوری‌که حتی در جایی سوسیالیسم را با جنبش مزدگان در ایران همسو می‌داند. باری «از اینجا و دیگر نکات مقاله [...] دیده می‌شود که مولف آن در حال با حسن ظن چندانی به کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها نگه نمی‌کند»^(۱۰) اما شاید بتوان به‌جرات مدعی شد که اولین جرقه‌ها توسط کسانتی چون محمدامین رسول‌زاده در سال ۱۹۰۶ میلادی برابر با ۱۲۸۵ زده شد که برای نخستین‌بار در روزنامه «ایران نسو» (ازگان حزب دموکرات ایران که خیلی زود برتبر‌ترین روزنامه تهران نیز شد) با مقالات علمی خود اصول مارکسیسم را تبلیغ می‌کردند.^(۱۱) با ی‌اقرن انقلاب روسیه در اکتبر ۱۹۱۷ به رهبری لنین و یوسپن و ابغالی نقش کسانتی چون آونتیس سلطان‌زاده^(۱۲)، ابوالقاسم لاهوتی و چند نفر دیگر در این انقلاب، سرزمین پارت‌ها به یکی از اهداف کمونیست‌های روسیه برای تحقق [ارمان‌های سوسیالیستی بدل شد. به‌طوری‌که تریانوسکی به‌سال ۱۹۱۸ در اثر خود به‌نام انقلاب و شرق مدعی شد که: «این کلید حیاتی انقلاب شرق [آی‌ران] باید در دست ما باشد... ایران باید متعلق به انقلاب کمونیستی باشد»^(۱۳) جالب

نخستین مواجهه ایرانیان با اندیشه‌های سوسیال‌دموکراسی

مرگ در میدان سرخ



ایرانیان با دین اسلام نیز نتوانست مانعی برای تحقق بخشی از این خواسته باشد، هرچند تاریخ ثابت کرد که حاکمیت مارکسیسم بر ایران به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیک مذهبی حاکم بر آن عملا غیرممکن است اما به‌رحال حاکمیت کمونیسم بر نظر و عمل بخش عمده‌ای از روشنفکران ایرانی که سودای عدالت در سر داشتند امری غیرقابل انکار است. به‌طوری‌که رهبران «حزب عدالت» در کنگره‌ای که از ۲۲ تا ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۰ با حضور ۱۴ نماینده (متشکل از کمونیست‌های کهنه‌کاری چون میرجعفر پیشه‌وری، کامران و بهرام آقاییف، آونتیس سلطان‌زاده-و) در شهر انزلی بر گزار شده، به این نتیجه رسیدند که اسم حزب «عدالت» را سوسیال‌دموکراسی ایران با ایجاد حزب «همت» در بادکوبه بخش‌های مختلف فرقه، کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران و مرتضی علوی او نیز نقشی در فرقه جمهوری انقلابی ایران ایفا کرده باشد. باری با تصویب قانون «عجازات مقدمین علیه امنیت و استقلال کشور» در ۱۲ ژوئن ۱۹۳۱ برابر با ۲۲ خرداد، ۱۳۱۰ که فعالیت کمونیستی در ایران غیرقانونی اعلام شد^(۱) این مجله ادنیا] ظهور نامی بود که از طریق آن اندیشه‌های مارکسیستی در آن ظاهر تازیم و در زمان جمهوری وایمار تحت فشار دیپلماتیک دموکرات (لشویک) روسیه می‌شود و در کنگره‌های حزب و کنگره‌های کمیتنر شرکت کرده است. او مشاور لنین در مسائل شرق بود. در سال ۱۹۲۱ عضو کمیته مرکزی اجرائیه کمیتنر و نماینده شورای مسکو بود. در ادارات شوروی در سال‌های آغازین انقلاب اکتر در تنظیم قانون برای مصادره اسلح‌ا بروزوازی مشارکت کرد و در عین حال رهبری این عمل را برعهده داشت. در سال‌های دهه ۱۹۲۰ با رهبران هیات‌ریسه بانک صنعتی بود. روز ۲۰ ژانویه ۱۹۲۸ از سوی وزارت داخله زندانی شد. روز ۱۶ ژوئن ۱۹۳۱ محکوم به ۱۰ سال زندان بدون حق مکاتبه گردید. در نهم ژوئن ۱۹۵۶ در محکمه نظامی از او اعاده حیثیت شد.^(۲) به نقل از بابک امیرخسروی، مهاجرت سوسیالیست‌ها و سرنوشت ایرانیان؛ انتشارات پیام امروز چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۴۶

۱۴- این متن نخستین بار در نشریه Zhizn National Nostei یا «زندگی ناسویالیستی» در شماره ۴۷ چاپ دسامبر ۱۹۱۹ منتشر شده و متن فارسی آن نیز در کتاب تاریخ جنبش کمونیستی در ایران؛ ص ۴۰ موجود است. ۱۵- «نکندیسونال کمونیستی»؛ شماره ۱۲، ص ۲۵۵۱ به نقل از دو سند از فرقه کمونیست ایران؛ انتشارات علم، چاپ اول ۱۳۵۹، ص ۵ ۱۶- محمدتقی بهار؛ تاریخ احزاب سیاسی ایران؛ انتشارات امیرکبیر ۱۳۴۴، صص ۱۶۷-۱۶۶ ۱۷- گفتنی است این قانون پیامد فرار یکی از افسران سازمان جاسوسی شوروی (ک. پ.) به نام ژر سرگئی پویچ آقاییک و انتشار خاطراتش در روزنامه لومنان چاپ پاریس بود. آقاییک در این نوشتار‌ها از کسانتی نام برده بود که در دوران ماموریتش در ایران برایش جاسوسی کرده بودند. این قانون در دوره ریاست سرتیپ محمدحسین آیرم اوایل خردادماه ۱۳۱۰ به مجلس شورای ملی رفته و در ۲۲ خرداد همان سال به تصویب رسید. ن ک به: مرتضی سیفی قمی تفرشی؛ یک‌س خفیه ایران، ۱۳۱۰-۱۲۹۹ انتشارات ققنوس؛ صص ۱۴۷-۱۴۵ ۱۸- در بسیاری از منابع ازجمله پروفیسور سپهر ذبیح؛ تاریخ جنبش کمونیستی در ایران؛ ص ۱۲۲ رشته تحصیلی ارانی فزیک ذکر شده است اما او در رشته شیمی ادامه تحصیل داده و حتی در با‌یوچی‌های خود عنوان می‌کند که از طریق تدریس شیمی و تکنولوژی در ایران روزگار می‌گذراند(ه) به نقل از حسین فرزانه؛ پرورنده پنج‌اوسه روز؛ ص ۲۵۶) از سوی دیگر عنوان رساله او Die Reduzierenden Wirkungen Vebindungen [خواص احیاکننده اسید هیپوفسفریک] موبد این واقعیت است. برای اطلاعات بیشتر در مورد زندگی ارانی، ن ک به: خسرو شاکری؛ تقی ارانی در این تاریخ؛ نشر اختران، چاپ اول ۱۳۸۷، صص ۱۸۲، ۱۸۳، حمید احمدی؛ تاریخچه فرقه جمهوری انقلابی ایران و گروه ارانی؛ نشر اختران، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۲۶ و نیز دنیای ارانی؛ باقر مومنی؛ انتشارات خجسته، چاپ اول ۱۳۸۴، صص ۱۵۶-۵۷ ۱۹- ارانی این عنوان را که ترجمه فارسی «لوپوند» روزنامه مشهور فرانسوی است پس از رد نامه‌ای «تندر» و «ماتریالیزم» توسط وزارت معارف به پیشنهاد ایرج اسکندری در نشریه تئوریک خود گذاشت. برای اطلاع دقیق پیرامون این موضوع، ن ک به: باقر مومنی، دنیای ارانی؛ انتشارات خجسته؛ ۱۳۸۴، صص ۱۶-۱۳ و نیز کوزه بیات و مسعود کوهستانی‌زاد؛ اسناد مطبوعات (۱۳۲۰- ۱۲۸۶ هـ ش)؛ سازمان اسناد ملی ایران؛ ۱۳۷۲ صص ۵۳۳-۵۳۱ همچنین ر. ک به: ایرج اسکندری؛ خاطرات سیاسی ایرج اسکندری؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی؛ ۱۳۷۲، ص ۶۲ ۲۰- سپهر ذبیح؛ تاریخ جنبش کمونیستی در ایران؛ ص ۱۲۲ همچنین انور خلمه‌ای؛ پنجاه‌نفر سه نفر؛ سازمان انتشارات هفته ۱۳۶۲، صص ۷۳ تا ۸۳ و نیز احسان طبری؛ ایران در دو دهه واپسین؛ صص ۲۷۵-۲۷۶ ۲۱- مرزبان‌پرهوز در کتاب شورشیان آرمان‌خواه با اشاره به انتشار این سند در نشریه کنکاش شماره ۲، زمستان ۱۳۶۹ صص ۷۲-۱۶۵ کسانک تأکید می‌کند: «[این حال، تا زمانی که اطلاعات قانع‌کننده‌تری به دست نیامده، موضوع لاینحل باقی می‌ماند.»



عبدالصمد کامبخش و مرگ ارانی

در اسناد موجود درباره ۵۳ نفر اذعان شده که اعتراضات کامبخش اصلی‌ترین دلیل لو رفتن اعضای فرقه جمهوری انقلابی ایران و معرفی شدن ارانی به عنوان لیدر این فرقه بوده است. او که پیشتر به عنوان خلبان نیروی هوایی ارتش به اتهام جاسوسی دستگیر شده بود در بار دوم دستگیری‌اش با شهریارهای تهران همکاری کرده و بنا‌بر برخی اسناد منتشر شده در کتاب‌های نظیر حسین فرزانه؛ پرورنده پنج‌اوسه نفر؛ نشر نگاه، چاپ اول ۱۳۷۲، صص ۴۶-۳۱ و نیز خسرو شاکری؛ تقی ارانی در آینه تاریخ؛ صص ۱۵۵-۱۵۱ و همچنین حمید احمدی؛ تاریخچه فرقه جمهوری انقلابی ایران و گروه ارانی؛ نشر اختران، چاپ دوم؛ ۱۳۸۷، صص ۹۷-۸۲ و حتی دفاعیات دکتر ارانی در دادگاه نظامی، تصریح می‌دارند که شخصی عبدالصمد کامبخش، [برای فرار از حکم اعدامی که فکر می‌کرد، گریبانگیرش خواهد شد طرف یک روز در یک کتاب چندصد صفحه‌ای گزارش تمام جزئیات سازمان و اسامی کمونیست‌های ایران را برای پلیس رضاشاه نوشته و شرح می‌دهد. خلیل ملکی از اعضای ۵۳ نفر نیز معتقد بود شرحی که کامبخش برای پلیس نوشت «مانند گزارش از یک حزب به گنگره حزبی مفصل بود». جالب اینکه کامبخش علاوه بر معرفی ارانی به عنوان لیدر و لو دادن ۵۵۳ به پلیس رضاخانی، به رفقای ارانی چنین‌ال‌قا می‌کند که این ارانی بوده که آنها را به پلیس معرفی کرده و لو داده است. همین موضوع باعث می‌شود جو متشنجی علیه ارانی در میان دیگر زندانیان سیاسی ایجاد شود و به دلیل حبس مجرد (نفراقی) ارانی و عدم ارتباط او با دیگر زندانیان، چندبار در مدت کوتاه گردش در هواخوری زندان پوشش‌اش او را خائن خطاب کرده و هتاک می‌کنند. بعدها با انتقال ارانی به بند عمومی زندان قصر که به توهین‌های عربان و با‌یکوت او نیز می‌کند به طوری‌که حتی برخی نظیر خلیل ملکی با ارانی دست به یقه شده به وسیلی می‌زنند. و (ن ک به: دنیای ارانی؛ باقر مومنی؛ انتشارات خجسته، چاپ اول ۱۳۸۴، صص ۶۵-۶۳) یوسف افتخاری از زندانیان سیاسی ـ کارگری قدیمی در کتاب خاطرات خود در این‌باره می‌نویسد: «فراد ۵۳ نفر، به تحریک کامبخش و تحت ریاست آقای خلیل ملکی در فلکه توقیفگاه، محکمه تشکیل داده، مرحوم ارانی را به خیانت محکوم کردند.» (ن ک به: خاطرات دوران سپری‌شده؛ یوسف افتخاری، به کوشش کوه بیات و مجید تفرشی، انتشارات فردوس؛ ۱۳۷۰، ص ۴۴) این جو تا زمانی ادامه می‌یابد که یک‌مل مدافع این گروه نزن زندانیان پرده از نام عامل اصلی دستگیر‌های یعنی عبدالصمد کامبخش می‌برد. باری در نقل از دکتر فریدون کشاورز؛ من متهم می‌کیم کمیته مرکزی حزب توده را بیجا، بی‌بنا، آذرماه ۱۳۵۷ دسامبر ۱۹۷۹ صص ۲۰-۱۹. شایان ذکر است که این رساله اخیرا در کتاب خاطرات سیاسی؛ دکتر فریدون کشاورز، به همراه افزوده‌هایی از کشاورز و درباره او و نظریاتش به کوشش علی دهشانی با یک آلبوم عکس تقریبا کامل از سیاست‌ورزان مارکسیست و مخالفان آنها در سال ۱۳۷۹ از سوی نشر آبی در ایران تجدید چاپ شده و بخش مورد بحث نیز در نسخه فوق در صفحات ۳۳-۳۴ قابل مطالعه است.

۴- همان؛ و نیز تحقیقی بر جنبش کمونیستی در ایران و مقالاتی از لنین؛ ص ۱۲ ۵- تحقیقی بر جنبش کمونیستی در ایران و مقالاتی از لنین؛ ص ۱۲، همچنین ن. ک به: عبدالصمد کامبخش؛ نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران؛ انتشارات حزب توده ایران، ۱۹۷۲ میلادی، صص ۱۴ و ۱۳ و نیز دوران نفوذ اولیه اندیشه‌های مارکسیستی در ایران؛ مجله دنیا، سال ۲، دوره ۴، زمستان ۱۳۴۱ از انتشارات حزب توده ایران ۶- عبدالحسین آگاهی؛ پیرامون نخستین آشنایی ایرانیان با مارکسیسم؛ منتشره در خسروشاکری؛ اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال‌دموکراسی و کمونیستی ایران؛ ج ۱، انتشارات علم؛ بی‌تا، ص ۱۳ ۷- پرواند ابراهامیان؛ ایران بین دو انقلاب- نشر نی، چاپ اول ۱۳۷۷، ص ۱۳۰ و نیز پیدایش مارکسیسم در ایران؛ سال ۳، دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۴۱، صص ۴۷-۵۲ از انتشارات حزب توده ایران ۸- Sepehr Zabih; The Communist Movement In Iran; University Of California Press Berkeley & Losangeles ۱۹۶۶ p. ۵۵ و نیز پیشگفتار مترجم فارسی همین کتاب: پروفیسور سپهر ذبیح؛ تاریخ جنبش کمونیستی در ایران؛ ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، موسسه مطبوعاتی علمای ۱۲۶۴، ص ۱۲ ۹- عبدالحسین آگاهی؛ پیرامون قدیمی‌ترین سند چاپی از تاریخ سوسیالیسم در ایران؛ منتشره در خسروشاکری؛ اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال‌دموکراسی و کمونیستی ایران؛ ج ۱، انتشارات علم؛ بی‌تا، ص ۵ ۱۰- او همان ۱۲- ایران بین دو انقلاب؛ ص ۱۳۰ ۱۳- در با‌یگانی جمهوری ارمنستان ازجمله در انستیتیوی سابق مارکسیسم-لنینیسم درباره سلطان‌زاده آمده: «آونتیس سلطانونیچ (میکاییلیان) در شهر مراغه ایران در سال ۱۸۸۳ در یک خانواده روستایی متولد شده است. او در ۱۲ سالگی به روسیه می‌رود و در آنجا نیز درمی‌گذرد. انستیتیوی بازگرافی مسکو را اعلام کرده است. از سال ۱۹۱۳ عضو حزب سوسیال دموکرات (لشویک) روسیه می‌شود و در کنگره‌های حزب و کنگره‌های کمیتنر شرکت کرده است. او مشاور لنین در مسائل شرق بود. در سال ۱۹۲۱ عضو کمیته مرکزی اجرائیه کمیتنر و نماینده شورای مسکو بود. در ادارات شوروی در سال‌های آغازین انقلاب اکتر در تنظیم قانون برای مصادره اسلح‌ا بروزوازی مشارکت کرد و در عین حال رهبری این عمل را برعهده داشت. در سال‌های دهه ۱۹۲۰ با رهبران هیات‌ریسه بانک صنعتی بود. روز ۲۰ ژانویه ۱۹۲۸ از سوی وزارت داخله زندانی شد. روز ۱۶ ژوئن ۱۹۳۱ محکوم به ۱۰ سال زندان بدون حق مکاتبه گردید. در نهم ژوئن ۱۹۵۶ در محکمه نظامی از او اعاده حیثیت شد.» به نقل از بابک امیرخسروی، مهاجرت سوسیالیست‌ها و سرنوشت ایرانیان؛ انتشارات پیام امروز چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۴۶

۱۴- این متن نخستین بار در نشریه Zhizn National Nostei یا «زندگی ناسویالیستی» در شماره ۴۷ چاپ دسامبر ۱۹۱۹ منتشر شده و متن فارسی آن نیز در کتاب تاریخ جنبش کمونیستی در ایران؛ ص ۴۰ موجود است. ۱۵- «نکندیسونال کمونیستی»؛ شماره ۱۲، ص ۲۵۵۱ به نقل از دو سند از فرقه کمونیست ایران؛ انتشارات علم، چاپ اول ۱۳۵۹، ص ۵ ۱۶- محمدتقی بهار؛ تاریخ احزاب سیاسی ایران؛ انتشارات امیرکبیر ۱۳۴۴، صص ۱۶۷-۱۶۶ ۱۷- گفتنی است این قانون پیامد فرار یکی از افسران سازمان جاسوسی شوروی (ک. پ.) به نام ژر سرگئی پویچ آقاییک و انتشار خاطراتش در روزنامه لومنان چاپ پاریس بود. آقاییک در این نوشتار‌ها از کسانتی نام برده بود که در دوران ماموریتش در ایران برایش جاسوسی کرده بودند. این قانون در دوره ریاست سرتیپ محمدحسین آیرم اوایل خردادماه ۱۳۱۰ به مجلس شورای ملی رفته و در ۲۲ خرداد همان سال به تصویب رسید. ن ک به: مرتضی سیفی قمی تفرشی؛ یک‌س خفیه ایران، ۱۳۱۰-۱۲۹۹ انتشارات ققنوس؛ صص ۱۴۷-۱۴۵ ۱۸- در بسیاری از منابع ازجمله پروفیسور سپهر ذبیح؛ تاریخ جنبش کمونیستی در ایران؛ ص ۱۲۲ رشته تحصیلی ارانی فزیک ذکر شده است اما او در رشته شیمی ادامه تحصیل داده و حتی در با‌یوچی‌های خود عنوان می‌کند که از طریق تدریس شیمی و تکنولوژی در ایران روزگار می‌گذراند(ه) به نقل از حسین فرزانه؛ پرورنده پنج‌اوسه روز؛ ص ۲۵۶) از سوی دیگر عنوان رساله او Die Reduzierenden Wirkungen Vebindungen [خواص احیاکننده اسید هیپوفسفریک] موبد این واقعیت است. برای اطلاعات بیشتر در مورد زندگی ارانی، ن ک به: خسرو شاکری؛ تقی ارانی در این تاریخ؛ نشر اختران، چاپ اول ۱۳۸۷، صص ۱۸۲، ۱۸۳، حمید احمدی؛ تاریخچه فرقه جمهوری انقلابی ایران و گروه ارانی؛ نشر اختران، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۲۶ و نیز دنیای ارانی؛ باقر مومنی؛ انتشارات خجسته، چاپ اول ۱۳۸۴، صص ۱۵۶-۵۷ ۱۹- ارانی این عنوان را که ترجمه فارسی «لوپوند» روزنامه مشهور فرانسوی است پس از رد نامه‌ای «تندر» و «ماتریالیزم» توسط وزارت معارف به پیشنهاد ایرج اسکندری در نشریه تئوریک خود گذاشت. برای اطلاع دقیق پیرامون این موضوع، ن ک به: باقر مومنی، دنیای ارانی؛ انتشارات خجسته؛ ۱۳۸۴، صص ۱۶-۱۳ و نیز کوزه بیات و مسعود کوهستانی‌زاد؛ اسناد مطبوعات (۱۳۲۰- ۱۲۸۶ هـ ش)؛ سازمان اسناد ملی ایران؛ ۱۳۷۲ صص ۵۳۳-۵۳۱ همچنین ر. ک به: ایرج اسکندری؛ خاطرات سیاسی ایرج اسکندری؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی؛ ۱۳۷۲، ص ۶۲ ۲۰- سپهر ذبیح؛ تاریخ جنبش کمونیستی در ایران؛ ص ۱۲۲ همچنین انور خلمه‌ای؛ پنجاه‌نفر سه نفر؛ سازمان انتشارات هفته ۱۳۶۲، صص ۷۳ تا ۸۳ و نیز احسان طبری؛ ایران در دو دهه واپسین؛ صص ۲۷۵-۲۷۶ ۲۱- مرزبان‌پرهوز در کتاب شورشیان آرمان‌خواه با اشاره به انتشار این سند در نشریه کنکاش شماره ۲، زمستان ۱۳۶۹ صص ۷۲-۱۶۵ کسانک تأکید می‌کند: «[این حال، تا زمانی که اطلاعات قانع‌کننده‌تری به دست نیامده، موضوع لاینحل باقی می‌ماند.»

۲۲- خسرو شاکری؛ تقی ارانی در آینه تاریخ؛ نشر اختران، چاپ اول ۱۳۷۹، صص ۱۵۷ تا ۱۷۹ ۱- نشانه‌شناسی اجتماعی یکی از رویکردهای معاصر در حوزه نشانه‌شناسی است که به جای نشانهٔ بر- نشانه‌سازی و در نتیجه بر- فرآیند معنابر‌دازی در بستر اجتماع و فرهنگ تأکید دارد. از سوی دیگر در این رویکرد، همه نشانه‌ها مرگ‌د. انگاشت می‌شوند و در نتیجه همه مت‌ها چندشویه و مرکب از چند نظام نشانه‌ای هستند. این رویکرد از یک‌سور پایه نشانه‌شناسی اجتماعی مطرح‌شده‌از سوی مایکل هلبیدی در دهه ۱۹۷۰ به‌ویژه مطالعات زبان‌شناختی و استوار است و درواقع نام خود را از می‌گیرد. از سوی دیگر، یکی از رویکردهای تحلیل انتقادی گفت‌مان به شمار می‌رود که با فراتر از متن نشانه‌شناسی اجتماعی (از زبان‌شناسی نقش‌گرا و زبان‌شناسی انتقادی گرفته تا نشانه‌شناسی اجتماعی) و مفاهیم بنیادی آن می‌پردازد و سپس به اختصار دست‌اورد‌های مهم و نشانه‌شناسان شاخص اجتماعی در حوزه‌های مختلف تصویر، صدا و مکان را بررسی می‌کند. این دوره آموزشی در پنج جلسه از دوشنبه دهم بهمن ساعت ۱۶ تا ۱۸ برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای ثبت‌نام در این دوره آموزشی تا پایان دی‌ماه فرصت دارند در ساعات اداری به مرکز فرهنگی شهرکتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم مراجعه کنند و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۸۸۷۳۳۳۱۶ و ۸۸۷۱۷۴۵۸ تماس بگیرند.

لذت اراده

لایبنتیس و فروید در برابر رنج

حامد کیا



■ در گفته‌های فروید یک مساله بسیار با اهمیت جلوه می‌کند و آن هدف انسان از زندگی است. پاسخ او به مساله سعادت این است که آدمی اساسا به دنبال دوری از رنج و کسب لذت است. اما جهان مادی واجد ویژگی‌هایی است که انسان را برای رسیدن به هدفش دچار مشکل می‌کند. اضمحلال جسم، جهان مادی بیرون و وجود انسان‌های دیگر در اطراف او مسایلی هستند که فروید برای آدمی در راه رسیدن به سعادت در نظر می‌آورد. در این‌رو او به راه‌های مبارزه انسان با این موانع اشاره و آنها را تشریح می‌کند. لایبنتیس اشاره دارد که فعالیت عامل لذت و انفعال عامل درد است. فعال بودن موجب بالا بردن درک و طی کردن کمالاتی است که از آن ناشی می‌شود. منفعل بودن از نظر لایبنتیس صراحت نداشتن در کاری است که آدمی قصد انجامش را دارد یا به زبان روزمره نوعی از «هاند کاری» و تعلل است که ثبات قدم را کم و شک را افزون می‌کند. این از نظر لایبنتیس یک درد است. او بین اراده و لذت رابطه برقرار می‌کند. از این‌رو اراده به عمل در صورتی ایجاد می‌شود که با لذت همراه باشد و به این ترتیب عمل ارادی به لذت پیوند می‌خورد. از این حیث اگر همچنان به فروید برگردیم یک مساله مشخص می‌شود و آن اینکه اساسا انسان در اندیشه این روانکاو- فیلسوف برای سعادت‌اش با سه مانع اضمحلال جسم، جهان مادی و وجود دیگران مواجه است؛ موانعی که در اندیشه فروید برای آدمی کردن رنج ناشی از آنها راهکارهایی وجود دارد. اما نکته‌ای که لایبنتیس برای ما معلوم می‌کند لذت کنش‌گری ارادمند یا به تعبیری لذت اراده انجام کار است که نتیجه آن، بالا رفتن مراتب درک انسان است. از این‌رو «لذت اراده کردن برای انجام عمل» و یافتن تجربه‌های‌نوبین هدف لایبنتیسی انسان است که دقیقا در سه مانعی که فروید از آنها با عناوین «تحلیل رفتن بدن»، «وجود دیگران» و «خاصیت جهان بیرونی» یاد کرده، صورت می‌گیرد. از نظر لایبنتیس نه تنها انسان بلکه حتی طبیعت نیز در محدوده‌ای از نیروهای فعال و غیرفعال گرفتار است که آنها نسبت به یکدیگر از جهتی فعال و از جهتی غیرفعال هستند و به‌این ترتیب همه موجودات واجد هر دو این خصوصیات هستند. بنابراین اساسا لذت اراده به‌مثابه نیروی فعال بدون رنج و محدودیت‌های فرویدی آن، به‌عنوان نیروی منفعل هیچ معنایی نخواهد داشت. از این حیث با لایبنتیس به جهان تجربه‌جویی وارد می‌شویم که فروید در آن سعی بر جدا کردن این تجربیه‌ها و بررسی تصمیم‌ها و راهکارهای بشری در برخورد با دردهایی را دارد که محصول جداسازی این تجربیه‌ها هستند.

خبر

شریعتی و تفکر آینده